

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه و کلام اسلامی  
گرایش کلام اسلامی

**بررسی و تحلیل شفاعت از دیدگاه قاضی عبدالجبار ، فخر رازی ،  
محمد بن عبدالوهاب و علامه طباطبایی**

استاد راهنما :  
دکتر پروین نبیان

استاد مشاور :  
دکتر جعفر شانظری

پژوهشگر :  
زهرا حمزه زاده

آبان ماه 1391

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات ،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع  
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه و کلام اسلامی  
گرایش کلام اسلامی خانم زهرا حمزه زاده

تحت عنوان

بررسی و تحلیل شفاعت از دیدگاه قاضی عبدالجبار، فخر رازی، محمد

عبدالوهاب و علامه طباطبایی

در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی... به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر پروین نبیان با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر جعفر شانظری با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر فروغ السادات رحیم پور با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر غلامحسین توکلی با مرتبه ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه

دکتر علی ارشد ریاحی

۱۴

## چکیده :

موضوع شفاعت در میان مجموعه مباحثی که در حوزه الهیات به ویژه معاد شناسی مطرح بوده است ، همیشه توجهات زیادی را به خود مشغول ساخته است در واقع شفاعت در روز قیامت ، روزنه ای از امید و آرزوست که آیین اسلام به روی گنهکاران گشوده تا از رحمت الهی ناامید نگردند و در اثر بی نصیب دانستن خود از آمرزش الهی در گناه و معصیت فرو نروند.

البته درباره این اصل و تحقق آن همه فرق و مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند و درون جامعه اسلامی شاید نتوان گروهی را یافت که از اساس منکر شفاعت باشد . حتی کسانی ، همچون فرقه وهابیت که امامیه را به جهت اعتقاد به شفاعت تکفیر می کنند خود به صورت خاصی به شفاعت قائل هستند . در این زمینه محمد بن عبدالوهاب که موسس فرقه وهابیت است می گوید، ما طبق روایات رسیده از جانب شرع مقدس ، شفاعت در روز قیامت را برای پیامبر اکرم (ص) و سایر انبیاء و فرشتگان و اولیاء خدا و اطفال ثابت و محقق می دانیم اما وظیفه ما این است که شفاعت را از خدا که مالک واقعی و اذن دهنده شفاعت است بخواهیم و بگوییم که خدایا پیامبر ما در روز قیامت شفیع ما باشد و هر که از غیر خدا تقاضای شفاعت کند درست کار مشرکین را مرتکب شده و با آنان هم عقیده شده است.

با وجود اتفاق نظر درباره اصل وجود شفاعت در مورد نحوه ی تاثیر آن بین مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد . اعتقاد معتزله که نماینده ایشان در این رساله قاضی عبدالجبار است، این است که دایره ی تأثیر شفاعت پیامبر (ص) تنها در ترفیع درجه اهل بهشت است. در مقابل اشاعره که نماینده ایشان در این رساله فخر رازی است، معتقدند که شفاعت پیامبر (ص) به این معنی است که گنهکاران را از عذاب دوزخ می رهاند تا وارد آتش نشوند و آن ها هم که در آن می سوزند ، در پرتو شفاعت پیامبر (ص) از آتش دوزخ خارج شده وارد بهشت می شوند . اما شیعه که نماینده ایشان در این رساله علامه طباطبایی است، به تبعیت از فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام راهی میانه برگزیده است و معتقد است که شفاعت اولیای خدا منوط به اذن پروردگار جهان است و تا اجازه وی نباشد ، هیچ کس نمی تواند شفاعت نماید و اذن خدا بی جهت و بی حکمت نخواهد بود و شامل حال کسانی می شود که برای عفو و اغماض شایستگی دارند و لغزش و گناه آنان به مرحله ی طغیان نرسیده است و رابطه ی معنوی خود را با خداوند قطع نکرده اند.

در این پژوهش سعی و تلاش شده تا ضمن ارائه دیدگاه های فخر رازی ، قاضی عبدالجبار ، محمد بن عبدالوهاب و علامه طباطبایی پیرامون شفاعت و بیان شباهت ها و تفاوت های آن ، اشکالاتی که از ناحیه منکران و منتقدان مطرح گردیده، همراه با پاسخ تبیین گردد و با استناد به آیات و روایات اثبات کنیم که مساله شفاعت نه تنها منافاتی با توحید ندارد بلکه تأکیدی است بر این که با تمسک به ارواح طیبه ی انبیاء و اولیاء و صالحان در سایه ی اذن الهی زمینه ی تقرب و دست یابی به رحمت واسعه ی الهی برای بندگان فراهم می آید. و در واقع شفاعت بهانه ای است برای حفظ رابطه قلبی (رابطه ولایت) با اولیای الهی تا در نتیجه این ارتباط زمینه تکامل انسان ها فراهم گردد.

**کلید واژه ها:** شفاعت، ترفیع درجه، اسقاط عذاب، عبدالجبار، فخر رازی ، محمد بن عبدالوهاب ، علامه طباطبایی.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : کلیات	
1-1-1- مقدمه .....	1
1-1-1-1- شرح و بیان مسأله پژوهشی .....	1
1-1-2- اهمیت مسأله .....	2
1-1-3- اهداف تحقیق .....	3
1-1-4- فرضیات و پرسش ها .....	3
1-1-5- روش تحقیق .....	3
1-1-6- مراحل اجرای تحقیق .....	3
1-2- معنای لغوی و اصطلاحی شفاعت .....	3
1-3- جایگاه شفاعت .....	5
1-4- اقسام شفاعت .....	6
1-4-1- شفاعت تکوینی .....	6
1-4-2- شفاعت تشریحی .....	7
1-4-2-1- شفاعت رهبری .....	9
1-4-2-2- شفاعت مغفرت .....	10
1-5- فلسفه شفاعت .....	11
1-5-1- روزنه ی امید .....	11
1-5-2- تشویق به انجام وظایف .....	12
1-5-3- پاداش صالحان .....	12
1-5-4- ارتباط قلبی با اولیای الهی .....	12
1-6- شفاعت در قرآن .....	13
1-6-1- آیاتی که شفاعت را به طور مطلق نفی می کند .....	13
1-6-2- آیاتی که شفاعت مورد نظر یهود را نفی می کند .....	13
1-6-3- آیاتی که درباره ی گروهی از مردم وجود هر شفيعی را نفی می کند .....	14
1-6-4- آیاتی که شفاعت بت ها را نفی می کند .....	14
1-6-5- آیاتی که شفاعت را مختص به خدا می داند .....	15
1-6-6- آیاتی که شفاعت غیر خدا را با شرایط خاصی مسلم می داند .....	15

عنوان	صفحه
7-1- اشکالات شفاعت.....	16
1-7-1- شفاعت با عدل خدا منافات دارد .....	16
2-7-1- شفاعت با سنت های الهی مخالفت دارد .....	16
3-7-1- شفاعت با علم خدا ناسازگار می باشد.....	17
4-7-1- اعتقاد به شفاعت موجب تجری بر گناه است.....	17
5-7-1- آیات قرآن گواه بر امکان شفاعت است نه وقوع آن.....	18
6-7-1- منظور از شفاعت انبیاء رهبری آنان است.....	19
7-7-1- شفاعت از آیات متشابه است.....	19
8-7-1- شفاعت با اصل عمل تناقض دارد.....	19
9-7-1- شفاعت با توحید ذاتی سازگار نیست.....	20
10-7-1- شفاعت لغو و بیهوده است.....	20

#### فصل دوم: دیدگاه های مختلف در مورد شفاعت

1-2- دیدگاه قاضی عبدالجبار .....	21
1-1-2- دلایل قاضی عبدالجبار در تفسیر شفاعت.....	23
1-1-1-2- دلایل عقلی .....	23
2-1-1-2- دلایل مخالفین و پاسخ های عبدالجبار .....	23
3-1-1-2- دلایل نقلی عبدالجبار .....	24
2-2- دیدگاه فخر رازی .....	26
1-2-2- دلایل فخر رازی در تفسیر شفاعت.....	26
3-2- دیدگاه محمد بن عبدالوهاب .....	30
1-3-2- تعلیم راه مناظره و احتجاج به پیروانش .....	31
2-3-2- دلایل محمد بن عبدالوهاب در تفسیر شفاعت.....	32
4-2- دیدگاه علامه طباطبایی .....	36

#### فصل سوم: ارزیابی و نقد دیدگاه های مختلف پیرامون شفاعت

1-3- ارزیابی دیدگاه علامه طباطبایی.....	39
1-1-3- جمع بین آیات مثبت و منفی شفاعت در قرآن.....	41
2-3- ارزیابی قاضی عبدالجبار از منظر شیعه .....	41
1-2-3- بررسی دلایل عقلی قاضی عبدالجبار .....	42

صفحه	عنوان
43	3-2-2- بررسی دلایل نقلی قاضی عبدالجبار .....
47	3-3- ارزیابی دیدگاه فخر رازی از منظر شیعه .....
49	3-4- ارزیابی دیدگاه محمد بن عبدالوهاب از منظر شیعه .....
49	3-4-1- بررسی دلایل محمد بن عبدالوهاب .....
54	3-5- پاسخ به اشکالات مطرح شده در مورد شفاعت .....
66	3-6- جمع بندی و نتیجه .....
70	منابع و مأخذ .....



## فصل اول:

### کلیات

#### 1-1-1 مقدمه

مسأله شفاعت از جمله مسائلی است که سابقه آن در عالم اسلام به عصر نزول قرآن باز می‌گردد. قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین مرجع و منبع جهان بینی اسلامی در آیات مختلفی به مسأله شفاعت پرداخته است. سخنان پیامبر اعظم (ص) نیز حاکی از اهتمام آن حضرت در ترویج اعتقاد به شفاعت در بین امت است. باهمه‌ی اهمیتی که شفاعت - به عنوان یکی از آموزه‌های امید بخش مکتب اسلام - دارد، تفسیرها و فهم‌های غلط پیرامون این آموزه اصیل و کار آمد، منجر به بروز شبهات اعتقادی گوناگونی شده است که برخی از این شبهات توسط دشمنان دین اسلام و تشیع مطرح می‌شوند. شبهاتی که در آنها سعی شده است با تعریف نادرستی از شفاعت و مضمولان آن، اسلام و تشیع به عنوان آیین و مذهبی ضد عقلانی معرفی گردد. علاوه بر این ترویج اندیشه‌ها و باورهای غلط از شفاعت در بین معتقدان به دین و مذهب، منجر به نفی مسئولیت‌پذیری، کم‌رنگ نمودن تکالیف الهی و کم‌توجهی قیامت و روز حساب شده است. لذا درک صحیح حقیقت شفاعت نیازمند بهره‌مندی از منابع اولیه اسلامی یعنی کتاب و سنت دارد تا با تأمل دقیق در آنان بتوان به شرایط شفاعت صحیح شناخت پیدا کرد و با عمل به آن در زمره کسانی قرار گرفت که شفاعت شافعان شامل آن‌ها می‌گردد.

#### 1-1-1-1 شرح و بیان مسأله پژوهشی

اعتقاد به شفاعت در روز قیامت پدید آورنده‌ی امید در دل گنهکاران و مایه بازگشت آنان در نیمه زندگی، به سوی خداست بنابراین حکمت تشریح شفاعت، همان حکمت تشریح توبه در زندگی دنیاست. این شفاعت لطف رسول خدا (ص) و برگزیدگان الهی در حق امت خود است که از طرف خداوند به ایشان عنایت شده است.

البته این مسأله اصیل اسلامی به سان برخی دیگر از معارف بلند آن، با برخی از پیرایه‌های غلط همراه شده است؛ درحالی‌که اعتقاد به شفاعت در صورتی می‌تواند موثر و سازنده باشد که دور از هر نوع عوام‌فریبی تفسیر شود و حساب شفاعتی که قرآن و حدیث به آن دعوت می‌کند و عقل و خرد آن را تایید می‌کند، از شفاعتی که در اذهان برخی از دور افتادگان از تعالیم اسلام وجود دارد، جدا گردد.

اعتقاد به شفاعت که همان کمک کردن اولیای خداست به اذن خدا، به افرادی که در عین گنهکار بودن پیوند ایمانی خود را با خداوند و پیوند معنوی خویش را با اولیای خدا قطع نکرده اند، سبب می شود که فرد گنه کار معتقد گردد که او می تواند از این به بعد سرنوشت خود را دگرگون سازد و اعمال گذشته او طوری نیست که برای او یک سرنوشت قطعی و غیر قابل تغییر ساخته باشد، بلکه از هم اکنون به شرط ایجاد و حفظ ارتباط قلبی و روحی با اولیاء الهی می تواند سرنوشت خود را تغییر و درهای سعادت رابه روی خود باز کند؛ که در صورت حقیقی بودن این ارتباط (ونه ارتباط ظاهری و صوری) موجبات پرهیز از گناه و حرکت در مسیر تکامل روحی و معنوی برای او فراهم گردد.

شفاعت اخروی امری مسلم و مورد اتفاق جمیع فرقه های مسلمین است. هر چند دو فرقه معتزله و خوارج که اقلیت از اهل سنت هستند، در عین پذیرش اصل شفاعت اخروی، آن را منحصر در ترفیع درجه مومنان دانسته و شفاعت اخروی در مورد گنهکاران را قبول ندارند.

اختلاف فرقه ی وهابیت نیز، با عموم مسلمین در این است که می گویند، فقط باید از خدا خواست که شفاعت شفیعان را در حق ما بپذیرد و ما حق نداریم به طور مستقیم از خود شفیعان درخواست کنیم.

اما از نظر شیعه و گروه اشاعره که نظرشان به شیعه نزدیک است شفاعت از آن گنهکاران است، منتهی این شفاعت شرایط خاصی دارد از جمله این که منوط به اذن پروردگار جهان است، و تا اجازه ی خدا نباشد، هیچ کس نمی تواند شفاعت نماید همچنین شفاعت شافعان واقعی از آن کسانی است که در روح و روان آنان نیروی جهش به سوی کمال و پاکی باشد، ولی کسانی که در سراسر وجود آنان نقطه قوت و کمالی پیدا نمی شود هرگز نورانیت شافعان، وجود تاریک آنان را روشن نخواهد کرد.

### 1-1-2- اهمیت مسأله

ممکن است بسیاری از بحث هایی که محققان دنبال می کنند صرفاً از نظر علمی و نظری بوده و ثمره علمی آن چنانی نداشته باشد. اما مسأله شفاعت علاوه بر این که بحثی علمی و نظری است، دارای ثمره عملی جدی و مهمی است. بنابراین اگر حقیقت، شرایط و حدود آن از نظر علمی و نظری مشخص نشود، ممکن است باعث گمراهی جمع بسیاری از مسلمانان شود، چرا که این فکر خصوصاً در حوزه شیعی به طور جدی یافت می شود که شفاعت پیامبر (ص) و ائمه اطهار باعث بخشودگی گناهان و ورود آن هابه بهشت می گردد. این فکر گاهی باعث می شود ما به فکر عمل به دستورهای الهی نباشیم و صرفاً به فکر احیای مراسم سوگواری و موالید پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) باشیم. عدم شناخت دقیق سخنان پیامبر (ص) و ائمه اطهار سبب می شود بسیاری ندانسته، فرمان های الهی را در خصوص رابطه انسان با خود، خدا و مردم نادیده بگیرند و دچار گمراهی و ضلالت گردند. بنابراین بحث شفاعت با برداشتی که مسلمانان از دارند، یکی از بحث های جدی قرآنی و کلامی است که شایسته است در مورد آن به طور صحیح بررسی شود تا حدود و شرایط آن معین شود تا کسانی که برداشت درستی از شفاعت ندارند، فکرشان اصلاح شود و از گمراهی نجات یابند.

### 1-1-3- اهداف تحقیق

- 1) ارزیابی و تحلیل دیدگاه قاضی عبدالجبار، فخررازی، علامه طباطبایی و محمدبن عبدالوهاب پیرامون شفاعت
- 2) شباهت ها و تفاوت های دیدگاه قاضی عبدالجبار، فخررازی، علامه طباطبایی و محمد بن عبدالوهاب پیرامون شفاعت
- 3) تبیین حقیقت شفاعت که نه مستلزم تغییر اراده خداست نه سبب جرأت مردم بر معصیت

### 1-1-4- فرضیات و پرسش ها

- 1) قاضی عبدالجبار، فخررازی، علامه طباطبایی و محمد بن عبدالوهاب به شباهت شفاعت چگونه پاسخ داده اند؟
- 2) چه شباهت ها و تفاوت هایی بین دیدگاه قاضی عبدالجبار، فخررازی، علامه طباطبایی و محمدبن عبدالوهاب پیرامون شفاعت وجود دارد؟
- 3) آیا شفاعت مستلزم تغییر در اراده و علم خداوند و سبب جرأت مردم بر معصیت می گردد؟

### 1-1-5- روش تحقیق

توصیفی - اسنادی - تحلیل محتوا

### 1-1-6- مراحل اجرایی تحقیق

ابتدا کلیاتی پیرامون شفاعت بیان می گردد تا حقیقت شفاعت تبیین شود. سپس دیدگاه فرق مختلف همراه با دلایل مورد نظر ایشان بیان می گردد و در ادامه ضمن ارزیابی این دیدگاه ها نظر صحیح بیان و اشکالات سایر دیدگاه ها تبیین می شود.

### 2-1- معنای لغوی و اصطلاحی شفاعت

شفع در ادبیات و زبان عربی معمولا به معنای زوج و در برابر فرد بکار می رود. (عبدالقادر، 1414، ج 2: 311) و در برخی از منابع دو معنا برای واژه شفاعت بیان شده است و ظاهرا به معنای دوم آن که با معنی اصطلاحی شفاعت مناسب بیشتری دارد کمتر عنایت شده است. این معانی عبارتند از: 1) دوتا کردن یک شیء با افزودن همانند آن شیء به آن. 2) خواستن از کسی که به فرد دیگری کمک کند. چنان که ملاحظه می شود در معنای دوم، طلب و درخواست کمک از غیر در لغت شفاعت اخذ شده است. در برخی از کتاب ها نیز کلمه تشفع به معنای طلب کردن آمده است. (ابن منظور، 1405، ج 8: 183) راغب اصفهانی می گوید: «شفع عبارت است از ضمیمه شدن چیزی به همانند خودش و شفاعت نیز منضم شدن به دیگری (شفیع) است در حالی که شفیع او را یاری کند و او نیز از شفیع در خواست نماید. بیشتر موارد استعمال شفاعت آن جاست که حرمت مقام بالاتر به کسی که پایین تر است ضمیمه شود و شفاعت در قیامت نیز از همین موارد است.» (راغب، 1373، ج 1: 263)

مکارم شیرازی می گوید بر این اساس شفاعت می تواند معنای تقویت کردن و نیرو بخشیدن به فرد ضعیف باشد، یا به عبارت دیگر، ضمیمه شدن دو چیز برای آن که یکی مکمل دیگری شود تا اثر ونتیجه ی مطلوب بدهد خواه آن دو در درجه ی واحد باشند و یا یکی قوی تر و در مرتبه عالی تری باشد ولی غالباً در موردی استعمال می شود که فرد قوی تری به فرد ضعیف تر و برتر به مادون ضمیمه شده و منشا اثر گردد و در پرتو چنین شفاعتی فرد ضعیف به سرحد کمال و اعتدال می رسد. (مکارم شیرازی، 1372، ج 1: 224)

علامه طباطبایی در مورد معنای شفاعت می نویسد معنای اجمالی شفاعت را همه می دانند چون همه انسانها در اجتماع زندگی می کنند که اساسش تعاون است. اما در مورد معنای لغوی آن به تفصیل می گوید: این کلمه از ماده (ش - ف - ع) است که در مقابل وتر بکار می رود. در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می شود نیروی خودش به تنهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست. لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می زند و در نتیجه آن را دو چندان نموده، به آن چه می خواهد نائل می شود به طوری که اگر این کار را نمی کرد و تنها نیروی خود را به کار می زد به مقصود خود نمی رسید چون نیروی خودش به تنهایی ناقص و ضعیف و کوتاه بود. (طباطبایی، 1383، جلد 1: 238)

طاهری خرم آبادی در مورد معنای اصطلاحی شفاعت می نویسد، آن چه در عرف همه ی مردم شفاعت نامیده می شود آن است که شخصی که محکوم به جرم و تخلف از قانون است و باید مجازات شود، فردی را واسطه قرار می دهد تا درباره ی او شفاعت و وساطت کند و او را از عقوبت و مجازات نجات دهد و یا برای رسیدن به منافع و امتیازهای مادی، متوسل به فردی شود و با وساطت او به مقصود خویش نایل گردد. (طاهری خرم آبادی، 1386: 103)

قاضی عبدالجبار معتزلی پس از اشاره به معنای لغوی شفاعت می گوید، شفاعت در اصطلاح آن است که کسی از غیر بخواهد تا به فرد دیگری نفعی برساند یا از او ضرری را دفع نماید. (عبدالجبار، 1408: 125)

استاد جعفر سبحانی می گوید، شفاعت خواهی همان در خواست دعا از ارواح مقدسه یا در خواست تصرف در روح و روان انسان در روز رستاخیز است که در سایه ی این تصرف پالایش روحی و روانی در انسان پدید می آید تا بتواند در جرگه ی پاکان قرار گیرد و در سرنوشت مانند آنان گردد. (سبحانی، 1362: 67)

علامه طباطبایی در مورد معنای اصطلاحی شفاعت می نویسد، شفاعت یکی از اموری است که ما آن را برای رسیدن به مقصود به کار بسته و از آن کمک می گیریم و اگر موارد استعمال آن را آمار گیری کنیم خواهیم دید که به طور کلی در یکی از دو مورد از آن استفاده می کنیم، یا در مورد جلب منفعت و خیر، آن را به کار می زنیم، و یا در مورد دفع ضرر و شر، البته نه هر نفعی و نه هر ضرری. چون ما هرگز در نفع و ضررهایی که

اسباب طبیعی و حوادث کونی آن را تامین می کند، از قبیل گرسنگی، عطش، حرارت، سرما، سلامتی و مرض متوسل به شفاعت نمی شویم، وقتی گرسنه شدیم بدون این که دست به دامن اسباب غیر طبیعی شویم، خود برخاسته و برای خودمان غذا فراهم می کنیم. توسل به اسباب غیر طبیعی و شفیع قرار دادن آن ها تنها در خیرات و شرووری است که اوضاع قوانین اجتماعی و احکام حکومت به طور خصوص و یا عموم، بطور مستقیم یا غیر مستقیم، پیش می آورد. چون در دایره حکومت از یک سو و عبودیت و بندگی از سوی دیگر در هر حاکم و محکومی که فرض شود احکامی از امر و نهی است که اگر محکوم و رعیت به آن عمل کند آثاری از قبیل مدح یا منافع مادی و اگر با آن مخالفت کند آثاری از قبیل مذمت یا ضرر مادی در پی دارد. و همین جا دو نوع وضع و اعتبار درست می شود، یکی وضع حکم و قانون و یکی هم وضع آثاری که بر موافقت و مخالفت آن مترتب می شود. بنابراین اگر انسانی بخواهد به کمالی و خیری برسد یا مادی یا معنوی، که از نظر معیارهای اجتماعی آمادگی و ابزار آن را ندارد و اجتماع وی را لایق آن کمال نمی داند، یا بخواهد شری را از خود دفع کند، شری که به خاطر مخالفت متوجه او می شود و از سوی دیگر قادر بر ادای وظیفه نیست در این جا متوسل به شفاعت می شود. (طبا طبایی، 1383، ج 1: 239)

در ادامه می افزاید شفاعت وسیله ای است برای تمیم سبب، نه این که خودش مستقلاً سبب باشد و دیگر این که تاثیر شفاعت در نزد حاکمی که نزدش شفاعت می شود باید تاثیر گزارانی و غیر عقلانی نباشد بلکه باید آن شفیع چیزی را بهانه و واسطه قرار دهد که به راستی در حاکم اثر بگذارد. پس از او نمی خواهد که مثلا مولویت خود را باطل کند یا قانون مجازات خود را به طور عموم و یا برای شخص مورد فرض لغو نموده بلکه از راه های دیگری شفاعت خود را می کند. مثلا به صفاتی از مولای حاکم تمسک می کند که آن صفات اقتضا دارد که مولا بر او رأفت ببرد و یا صفاتی که در خود شفیع است مانند علاقه و محبتی که مولا با او دارد. پس حقیقت شفاعت واسطه شدن در رساندن نفع یا دفع شر و ضرر است. (همان: 240)

### 1-3- جایگاه شفاعت

در بینش توحیدی، خداوند مبدأ هستی است و همه موجودات از او، وابسته به او و پرتو فیض الهی اند. خداوند، عالم هستی را بر اساس نظام اسباب و مسببات بنیان نهاده است و تحقق هر پدیده و پیدایش هر نوع اثری در این عالم از طریق سبب و علت خاصی صورت می گیرد. یعنی اراده حکیمانه او به تحقق امور، از طریق اسباب معین تعلق گرفته است. در نتیجه عالم هستی که یک پارچه تجلی فیض و عطای خداوند است، مجموعه

ای به هم پیوسته از اسباب و مسبب ها ست . خداوند فیض خود را - اعم از مادی و معنوی - از طریق سبب اعطا می کند و این اسباب واسطه های فیض اوست .

امام صادق (ع) می فرماید: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرَى الْأُمُورَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (خداوند ابا دارد از این که امور را جز از طریق اسباب فراهم آورد . پس برای هر چیزی سببی قرار داده است .) (محمدی ری شهری، 1375، ج 3، ح 8166: 1231)

روحانی می گوید، نقش اسباب و علل ، وساطت در رسیدن فیض الهی به مخلوقات است (شفاعت). به تعبیر دیگر شفاعت ، همان سبب بودن و تاثیر گذاری اسباب بر طبق نظام حاکم بر عالم هستی است . در حقیقت ، در نگرش توحیدی ، فیض الهی وقتی به اسباب و واسطه ها نسبت داده می شود ، شفاعت است . سبب بودن جمیع علت ها و اسباب طبیعی (همچون سوزندگی آتش ، روشنی ، حرارت بخشیدن خورشید، درخشندگی ماه) و نیز سببیت و تاثیر گذاری علل معنوی (مانند سبب بودن توبه و استغفار برای آمرزش گناهان ، نقش پیامبران و کتاب های آسمانی در جهت هدایت انسان ها ) همگی شفاعت نامیده می شود و این اسباب و علت های طبیعی و معنوی ، شفیعان و واسطه های فیض الهی اند. (روحانی، 1384: 13)

## 1-4-1- اقسام شفاعت

### 1-4-1-1- شفاعت تکوینی :

طاهری خرم آبادی می گوید، شفاعت در جهان آفرینش و تکوین بدین معنا است که نیروهای قوی تر این جهان به نیروهای ضعیف تر ضمیمه می شوند و آن ها را در مسیر تکامل و اهداف خلقت ، به پیش می برند . آفتاب می بارد و بذرها را در دل زمین آماده می سازد تا استعداد های درونی آن ها به فعلیت برسد و جوانه های حیات از دانه ها و از زیر خاک بیرون آید و این خود نوعی شفاعت است ؛ زیرا نیروی به نیروی دیگر ضمیمه می شود تا راه برای تکامل نیروی ضعیف تر باز گردد. از سوی دیگر ، تمامی اسباب و علل تکوینی به ذات باری تعالی منتهی می شوند و همه ی آن ها وسایطی بین خداوند و جهان خلقت و هستی برای نشر رحمت بی پایان و نعمت های بی شمار الهی هستند . همه ی علل و عوامل طبیعت ، مجرای فیض خداوند می باشند و هر سببی ، واسطه ی رساندن فیض به معلولش است ، پس هر سبب و علتی ، شفیع و واسطه ای تکوینی در افاضه ی فیض وجود و نشر رحمت های الهی می باشد. علل تکوینی مخلوق ذات باری تعالی هستند و از خود هیچ گونه استقلال وجودی ندارند، وجود آنها از اوست و از صفات عالیه ی پروردگار استمداد می جویند و در حقیقت منشا نشر

رحمت و فیض وجود ، صفات عالی پروردگار از جمله حیات ، خالقیت ، رازقیت و رحمانیت خداوند است که منشا حیات ، رزق ، خلق و غیر آن می شود. بنابراین اگر موجودی غیر از خداوند ، شفیع قرار گیرد و شفاعت نماید ، همه به اذن او و بر انگیزته شده از ناحیه اوست . (طاهری خرم آبادی ، 1386: 104)

علامه طباطبایی در مورد شفاعت تکوینی می گوید، شفاعت خودش یکی از مصادیق سببیت است و شخص متوسل به شفیع در حقیقت می خواهد سبب نزدیک تر به مسبب را واسطه کند میان مسبب و سبب دورتر ، تا این سبب جلو تاثیر آن سبب را بگیرد . خداوند سبحان در سببیت از جهت تکوین مبداء نخستین هر سبب و هر تاثیر است و سببیت هر سببی بالاخره به او منتهی می شود؛ پس مالک علی الاطلاق خلق و ایجاد او است و همه علل و اسباب اموری هستند که واسطه میان او و غیر او و وسیله انتشار رحمت اویند آن رحمتی که پایان ندارد و نعمتی که بی شمار به خلق و صنع خود دارد.

در ادامه می افزاید انطباق شفاعت بر جهت تکوین ، این که اسباب و علل وجودیه کار شفاعت را بکنند که بسیار واضح است برای این که هر سببی واسطه است میان سبب فوق و مسبب خودش و روی هم آن ها از صفات علیای خدا ، یعنی رحمت ، خلق ، احیاء و رزق و امثال آن، استفاده نموده و انواع نعمت ها و فضل ها را گرفته ، به محتاجان آن می رسانند.

ایشان به برخی از آیات که درباره شفاعت در تکوین ظهور دارد اشاره می کند از جمله ، (لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ) (بقره/255) و نیز (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ) (یونس/3) که در این دو آیه که راجع به خلقت آسمان و زمین است و شفاعت هم در آن ها در مورد تکوین خواهد بود و شفاعت در مورد تکوین جز این نمی تواند باشد که علل و اسبابی میان خدا و مسبب ها واسطه شده ، امور آن ها را تدبیر و وجود و بقاء آن ها را تنظیم کنند و این همان شفاعت تکوینی است . (طباطبایی ، 1383، ج1: 242-241)

#### 1-4-2- شفاعت تشریعی:

طاهری خرم آبادی می گوید، در هر جامعه و بین هر عبد و مولایی ، دو نوع مقررات وجود دارد ، یکی قوانین و مقرراتی که جامعه موظف است به آن ها عمل نماید و در برابر آن ها مسئول است و دیگری کیفر ها و پاداش ها برای تخلف و یا عمل به آن مقررات است لذا در کنار هر قانونی جریمه تخلف از آن قانون و گاهی هم پاداش و جایزه هایی تشویقی برای عاملین به آن قرار داده می شود . خداوند هم برای سعادت و کمال انسان ها دو چیز قرار داده است : یکی اصل قانون و دیگری مجازات در مقابل تخلف از آن و پاداش در مقابل عمل به

آن برای رسیدن به سعادت و نیل به کمال راه صحیح آن است که به دستور های الهی عمل شود و از پیامبران و امامان که واسطه ی ابلاغ این احکام و قوانین هستند تبعیت کرد و همین تبعیت از رهبران الهی و عمل به وظایف آسمانی نوعی شفاعت است که در صورت ضمیمه شدن به انسان، موجب سعادت و کمال انسان گشته و انسان را از مجازات ها محفوظ می دارد که این قسم شفاعت، شفاعت تشریحی است؛ زیرا تشریح و قانون گذاری است که شفیع و واسطه ی رسیدن انسان به کمالات و سعادت دنیوی و اخروی است و هم چنین شفاعت عمل می توان امید زیرا عمل ضمیمه و شفیع انسان شده و او از عذاب و مجازات ها رها گشته و به ثواب و پاداش عمل می رسد. (طاهری خرم آبادی، 1386: 107)

علامه طباطبایی در مورد شفاعت تشریحی می گوید، خدای تعالی به ما تفضل کرده، در عین بلندی مرتبه اش، خود را به ما نزدیک ساخته، و برای ما تشریح دین کرده، و در آن دین احکامی از او امر، و نواهی و غیره وضع کرده، و تبعات و عقوبت هایی در آخرت برای نافرمانان معین نموده، رسولانی برای ما گسیل داشت، ما را بشارت ها دادند و اندازها کردند و دین خدا را به بهترین وجه تبلیغ نمودند و بدین وسیله حجت بر ما تمام شد.

ایشان به آیاتی از قرآن که درباره شفاعت تشریحی ظهور دارند اشاره می کند از جمله (يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا) (طه / 109) و همچنین آیه (لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ) (سبا/23) و... (طباطبایی، 1383، ج 1: 242)

ایشان شفاعت تشریحی را دو قسم می دانند یکی، شفاعتی که در دنیا اثر بگذارد و باعث آمرزش خدا، یا قرب به درگاه او گردد که شفیع و واسطه میان خدا و بنده در این قسم شفاعت چند طائفه اند از جمله: 1) توبه (زمر/54) 2) ایمان به رسول خدا (ص) (حدید/28) 3) عمل صالح (مائده/9 و 35) 4) قرآن کریم (مائده/16) 5) هر چیزی که با عمل صالح ارتباط دارد مانند مسجد ها، اماکن شریفه، ایام الله، انبیاء و رسولان خدا (نساء/64) 6) ملائکه (مؤمن/7-شوری/5) 7) خود مؤمنین (نقره/286). قسم دوم شفیعانی که در روز قیامت شفاعت می کنند که عبارتند از: انبیاء علیهم السلام (انبیاء/28- زخرف/86) ملائکه (نجم/26- طه/110) شهدا (نقره/143) (طباطبایی، 1383، ج 1: 260-262)

استاد مطهری می گوید؛ در مورد این شفاعت اخروی دو تصویر کاملاً متفاوت در اذهان مردم وجود دارد در حالی که یکی از آن ها کاملاً نادرست و ظالمانه است و تصویر دیگر درست بوده و با عدالت کمترین ناسازگاری را ندارد. هنگامی که فردی بر خلاف خواست و اراده قانون گذار و بر خلاف مسیر قانون کاری می کند و مستوجب عقاب و محرومیت از حقوق می گردد اگر برای فرار از مجازات و محرومیت خود بتواند با



توسل به دوستانش و از راه رابطه از چنگ قانون فرار کند و برای همیشه از مجازات برهد. در واقع او از شفاعت نادرست و ظالمانه بهره گرفته و شفاعت به نفع او نیز عین ظلم است.

بی شک چنین شفاعتی که اساسا بر مبنای رابطه انجام می شود در آخرت وجود ندارد و بسیاری از خرده ها و اعتراضاتی که مخالفین درباره موضوع شفاعت مطرح کرده اند در واقع متوجه این معنای ناصحیح است و تعالیم دینی به ویژه قرآن بیش و پیش از همه مخالفان با چنین تفسیری از شفاعت مقابله می کند.

در مقابل چنین تصویری می توان صورت دیگری از شفاعت را مطرح نمود که نه تنها صحیح و عادلانه است بلکه هیچ مغایرتی هم با قانون و اراده قانون گذار ندارد و تحقق آن نیز به معنی نقض و تبعیض در قانون به شمار نمی آید. این نوع شفاعت با قسم قبل هیچ گونه شباهتی ندارد و ایرادات مخالفین بر آن وارد نیست و از نظر استاد شهید مطهری این شفاعت اگر از نوع شفاعت رهبری باشد موجب نجات از عذاب و نیل به حسنات و ترفیع درجه است در صورتی که شفاعت تفضلی یا مغفرت باشد موجب رفع عذاب و بخشش گناهان خواهد بود (مطهری، 1361: 246-240).

#### 1-2-4-1- شفاعت رهبری

علامه می نویسد، تمام اعمال و رفتاری که انسان در این عالم انجام می دهد، در جهان دیگر تجسم می یابد و به صورت های واقعی خود جلوه گر می شود؛ نه تنها اعمال بلکه روابط معنوی و مادی نیز که در این عالم بین مردم برقرار بوده است در آن جهان، صورت عینی و خارجی پیدا می کند. اگر شخصی در این جهان، سبب هدایت دیگری شود، رابطه ی رهبری و پیروی بین آن دو در قیامت به صورت عینی در می آید و در آن جهان نیز او به صورت امام و پیشوا و شخص هدایت شده به صورت ماموم ظاهر می گردد و پیشوایان حق شفیع و واسطه ی پیروان خود در رسیدن به کمالات و نعمت های الهی می شوند و پیشوایان باطل نیز که موجب گمراهی دیگران شده اند پیروان خود را به سوی مجازات و کیفر اعمال رهبری کرده، آیه (يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ اَسْرَاءُ/17) به همین معنا اشاره دارد. یکی از بهترین آیاتی که درباره تجسم رهبری در آخرت مورد استناد علامه طباطبایی است آیه «يَتَقَدَّمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ...هود/98) می باشد. (طباطبایی، 1383، ج 13: 229-228)

علامه مطهری در مورد این آیه می گوید فرعون که در دنیا پیشوای گمراهان دیگر بوده است در جهان دیگر نیز به عنوان امام آن ها مجسم می شود او در دنیا موجب ضلالت آن ها بوده و در آخرت واسطه رسانیدن آن ها به آتش. در این آیه علاوه بر مقدم بودن ورود فرعون به جهنم نسبت به فرعونیان، فرعون را واسطه وارد شدن آن ها به آتش دانسته است. البته شفیع و واسطه بودن او در بردن قوم به دوزخ تجسم واسطه بودن او در دنیا

برای گمراه شدن قوم خود می باشد. از آن جایی که در شفاعت رهبری عمل انسان عامل اساسی نجات یا محرومیت از دوزخ یا محرومیت از بهشت می باشد و بر اساس نوع عمل او و رهبری که خود به اختیار خود برگزیده سرنوشت او معلوم می شود، به نظر استاد مطهری می توان این شفاعت را شفاعت عمل نامید. (مطهری، 1361: 246)

از ظاهر سخنان علامه طباطبایی و استاد مطهری چنین بر می آید که شفاعت رهبری از آن نوع شفاعت هایی است که در آخرت محقق می شود ولی به نظر می رسد همه مقدمات این قسم از شفاعت در دنیا و توسط خود انسان فراهم می گردد و تنها ثمره آن در عالم آخرت پدیدار می شود لذا لازم است این قسم را نیز از قبیل شفاعت هایی که در دنیا و پیش از مرگ در نجات او موثر است به شمار آورد (سبحانی، 1383، ج 8: 266)

آنچه تا کنون از اقسام شفاعت بیان گردید، گرچه از مصادیق حقیقی شفاعت به معنای لغوی بود و بر آن ها نیز در روایات و احادیث کلمه ی شفیع اطلاق شده است ولی هیچ یک شفاعت اصطلاحی و مورد نظر آیات قرآن نیست و از نظر عرف نیز معمولاً به تأثیر چنین عواملی شفاعت اطلاق نمی شود. شفاعت اصطلاحی، آن است که وساطت برای مغفرت، عفو و بخشودن گناهان در روز قیامت صورت بگیرد.

#### 1-2-2-4- شفاعت مغفرت

با چنین شفاعتی صحیفه اعمال انسان از گناه و آلودگی پاک می گردد و نتیجه آن بخشش گناهان و رفع عذاب است ولی مقامات معنوی برای فرد ایجاد نمی شود و چون این قسم از مغفرت از سر تفضل و لطف خدا شامل حال انسان می شود آن را شفاعت تفضلی می گویند. (سبحانی، 1383، ج 8: 277)

رابطه ی مغفرت و شفاعت به این گونه است که، مغفرت الهی مانند هر رحمت دیگر دارای نظام و قانون است و این مغفرت باید از طریق نفوس کاملین و ارواح بزرگ انبیاء و اولیاء به گناهکاران برسد و این لازمه نظام داشتن جهان است. به همان دلیلی که رحمت وحی بدون واسطه انجام نمی گیرد و همه ی مردم از جانب خدا به نبوت بر انگیخته نمی شوند، هیچ رحمت دیگر هم بدون واسطه واقع نمی شود و رحمت مغفرت هم بی واسطه ممکن نیست تحقق پیدا کند.

روحانی معتقد است مغفرت و آمرزش نیز همانند هر رحمت و فیض دیگری از طریق مجاری خاص و بر اساس نظام اسباب و مسببات به بندگان می رسد یعنی، خداوند اموری را به عنوان سبب های آمرزش و بخشش قرار داده است، یکی از اسبابی که خداوند برای آمرزش قرار داده، درخواست از اولیاء الهی در آخرت است. یعنی، خدا آنان را واسطه در رسیدن فیض بخشش و مغفرت به بندگان خاص قرار داده است. بدین جهت

اولیای الهی، همانند سایر اسباب و علل، شفیعان نامیده می‌شوند و به نقش شفاعت آنان در رسیدن به فیض مغفرت و بخشش الهی به بندگان خاص، شفاعت می‌گویند. براین اساس خداوند اولیای الهی را به عنوان شفیعان و واسطه‌ی فیض معین کرده تا آنان برای بندگان که در دنیا با اعمال خویش شایستگی بهره‌مندی از این رحمت الهی را پیدا کرده‌اند درخواست مغفرت کنند. در حقیقت شفاعت قانونی است که خداوند واضع آن است و بر طبق این قانون اولیای الهی که از سوی خداوند به عنوان سبب‌های فیض مغفرت نصب شده‌اند بر اساس شرایطی برای عده‌ای خاص از گناهکاران، درخواست مغفرت می‌کنند و آنان واسطه‌ی فیض مغفرت الهی‌اند. (روحانی، 1384: 15)

از نظر استاد مطهری در حقیقت این نوع شفاعت، همان مغفرت الهی است که وقتی به خداوند نسبت داده می‌شود با نام مغفرت خوانده می‌شود و هنگامی که به وسایط و مجاری رحمت منسوب می‌گردد نام شفاعت به خود می‌گیرد. (مطهری، 1361: 252)

## 1-5-5- فلسفه شفاعت

بعضی از حکمت‌ها در زمینه شفاعت عبارت است از:

### 1-5-1- روزنه‌ی امید

اعتقاد به شفاعت، پدیدآورنده‌ی روزنه‌ی امید در دل گناهکاران است. به هر حال هر انسانی در طول زندگی خود، گرفتار گناهان و لغزش‌هایی می‌شود. اعتقاد به شفاعت سبب می‌شود که فرد گناهکار امیدوار باشد که گناهان برای او سرنوشت قطعی و غیر قابل‌تغییر رقم نزده است و او می‌تواند با جلب رضایت خداوند، از طریق اجتناب از گناه و عمل به دستورات او و هم‌سنخ شدن با اولیای الهی، در رحمت و مغفرت الهی را تا روز قیامت به روی خود بازنگه دارد و از شفاعت آنان بهره‌مند گردد. اگر انسان گناهکار معتقد باشد که گناهان گذشته‌ی او یا لغزش‌های احتمالی، برای او سرنوشت قطعی‌نا مطلوبی پدید می‌آورد و به هیچ‌وسیله‌ای نمی‌توان آن را تغییر داد، ممکن است دچار یاس و ناامیدی شده و روز به روز بار گناه خود را سنگین‌تر کند و چنین بیندیشد دیگر چه سود که نیمه‌باقی مانده عمرم را با رنج طاعت همراه سازم و از لذت گناهان چشم‌پوشم. (مکارم شیرازی، 1372، ج 1: 235)

### 1-5-2- تشویق به انجام وظایف

نوید به شفاعت و قرار دادن شروطی برای آن، سبب می شود انسان تلاش و سعی خود را در جهت تحصیل آن ها به کار بندد؛ زیرا شفاعت تنها شامل حال کسانی می شود که در دنیا با انجام دادن وظایف و دستورات الهی، رشته ی پیوند خود را با خدا و اولیای الهی، محکم کنند، یعنی بر خلاف گمان عده ای که اعتقاد به شفاعت را موجب جرأت افراد بر گناه و سر باز زدن از مسئولیت می دانند شفاعت عاملی انگیزاننده در جهت عمل به وظایف و ترک گناهان و ایجاد رابطه با خدا و اولیای الهی است. (همان: 236)

### 1-5-3- پاداش صالحان

در بیان یکی از حکمت های شفاعت آمده است: « شفاعت هدیه و جایزه ای است برای کسانی که عقیده و عمل آنان در دنیا مورد رضایت خداوند بوده است. (مجلسی، 1403، ج 8، ح 22 و 23: 40)

این سخن با توجه به شرایط شفاعت روشن تر می شود؛ زیرا فرق است میان کسی که توشه ای جز مخالفت، عصیان و کفر نسبت به خداوند ندارد، با کسی که سعی و تلاش او در جهت جلب رضایت خدا و حرکت در مسیر او بوده، لکن گاهی دچار خطا و لغزش شده است. شفاعت هدیه و جایزه ای به چنین انسان هایی است تا به سبب عقیده و عمل نیک آن ها لغزش ها و گناهانشان بخشوده شود.

### 1-5-4- ارتباط قلبی با اولیای الهی

مهمترین حکمت شفاعت ایجاد ارتباط قلبی با محبوبین الهی است که جز از طریق چنین ارتباطی تکامل محال است. مسأله شفاعت، توجه ما را به نظام آفرینش بیشتر جلب می کند و ما را متوجه اسباب و وسایلی می سازد که با از بین بردن موانع باعث رسیدن انسان ها به کمال نهایی خود می شوند. از آن جا که این اسباب و وسایل، همان انسان های کامل و اولیای الهی هستند، توجه به آنان سبب آشنایی انسان با الگوهای زندگی اصیل و موجب نزدیکی روحی و معنوی بین انسان و آن ها می گردد. در واقع اولیای الهی کسانی اند که محبت خدا را چشیده اند و برای ما هم دسترسی به اولیای الهی، که انسان هایی شبیه ما هستند، بسیار ساده تر است، بنابراین اگر محبت ایشان در وجود ما رخنه کند، این امر ما را به محبت خدا خواهد رساند؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: «(ای پیامبر) بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خداوند هم شما را دوست بدارد و گناهانتان رایببخشاید». (سوزنجی، 1385: 135)